

فصلنامه دانش انتظامی سمnan ، دوره پانزدهم ، شماره پنجاه و پنجم ، بهار ۱۴۰۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۱/۰۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۱/۲۱

صفحات: ۴۲-۶۵

بررسی رابطه امنیت اجتماعی و متغیرهای زمینه ای با پایبندی به ارزش های دینی (مورد

مطالعه شهروندان ۱۸ تا ۶۰ سال شهر تهران)

نویسندگان:

فرشید بهادر^۱*

چکیده

دین و پایبندی به ارزش های آن به عنوان یکی از پدیده های اجتماعی، هم بر ساختار و مناسبات جامعه تأثیر می گذارد و هم از آن ها تأثیر می پذیرد. این پژوهش با هدف بررسی رابطه امنیت اجتماعی و متغیرهای زمینه ای با پایبندی به ارزش های دینی در بین شهروندان تهران انجام شده است. پژوهش حاضر به روش پیمایشی و با استفاده از پرسشنامه به عنوان ابزار جمع آوری داده ها اجرا شد. جامعه آماری این پژوهش شامل افراد ۱۸ تا ۶۰ سال ساکن تهران بود و حجم نمونه با استفاده از روش نمونه گیری خوشه ای چندمرحله ای، ۴۰۰ نفر تعیین شد. برای تعیین اعتبار ابزار پژوهش از اعتبار صوری و برای سنجش پایایی از روش آلفای کرونباخ استفاده شد. یافته های پژوهش نشان داد که بین سن و پایبندی به ارزش های دینی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد، به طوری که با افزایش سن، پایبندی به ارزش های دینی نیز افزایش می یابد. همچنین، تفاوت معناداری بین جنسیت و پایبندی به ارزش های دینی مشاهده شد، به طوری که مردان در مقایسه با زنان پایبندی بیشتری به ارزش های دینی نشان دادند. از سوی دیگر، بین پایگاه اقتصادی و پایبندی به ارزش های دینی تفاوت معناداری مشاهده نشد. در مورد امنیت اجتماعی، یافته ها حاکی از وجود رابطه مستقیم و معنادار بین این متغیر و پایبندی به ارزش های دینی بود. با این حال، بین تحصیلات و پایبندی به ارزش های دینی تفاوت معناداری مشاهده نشد. این یافته ها نشان می دهد که عواملی مانند سن، جنسیت و امنیت اجتماعی نقش مهمی در پایبندی به ارزش های دینی ایفا می کنند، در حالی که پایگاه اقتصادی و تحصیلات تأثیر معناداری بر این متغیر ندارند. نتایج این پژوهش می تواند به سیاست گذاران و برنامه ریزان فرهنگی کمک کند تا با در نظر گرفتن این عوامل، برنامه هایی مؤثر برای تقویت ارزش های دینی در جامعه طراحی کنند.

کلید واژه ها : پایبندی به ارزش های دینی، پایگاه اقتصادی، امنیت اجتماعی، تحصیلات، جنسیت

۱. مقدمه

دین، به عنوان یکی از پدیده‌های اجتماعی، همواره نقش مهمی در شکل‌گیری ساختارها، مناسبات و هنجارهای جوامع ایفا کرده است. این پدیده نه تنها بر جامعه تأثیر می‌گذارد، بلکه خود نیز متأثر از تحولات و تغییرات اجتماعی است. از این رو، دین در حوزه جامعه‌شناسی به عنوان یک پدیده اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد. در سطح فردی، دین به عنوان یک امر درونی و اعتقادی مطرح می‌شود، اما هنگامی که در قالب هنجارها، باورها و کنش‌های اجتماعی تجلی می‌یابد و بر حیات اجتماعی تأثیر می‌گذارد، به یک پدیده اجتماعی تبدیل می‌شود که می‌توان برای آن کارکردهای اجتماعی متعددی قائل شد. در بررسی تحولات جوامع از شکل سنتی به سوی صنعتی و مدرن، نمی‌توان تنها به تغییرات اقتصادی بسنده کرد. این تحولات، همچون موجی خروشان، تمامی ابعاد زندگی اجتماعی را دربر می‌گیرد و دگرگونی‌های عمیقی در فرهنگ، سیاست، خانواده و حتی باورهای دینی ایجاد می‌کند. با این حال، میزان و سرعت این تغییرات در جوامع مختلف، متفاوت است و به میزان مقاومت خرده‌نظام‌های اجتماعی در برابر این تحولات بستگی دارد. نهاد دین و باورهای دینی نیز از این قاعده مستثنا نیستند. دین نه تنها از تغییرات اجتماعی تأثیر می‌پذیرد، بلکه خود نیز می‌تواند بر جهت و سرعت این تحولات تأثیرگذار باشد. ارزش‌های دینی، به عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از فرهنگ هر جامعه، نقش مهمی در شکل‌دهی به رفتارها و کنش‌های اجتماعی افراد ایفا می‌کنند. این اهمیت در جوامعی مانند ایران، که دین به عنوان یکی از ارکان اصلی فرهنگ و هویت ملی مطرح است، دوچندان می‌شود. در چنین جوامعی، بررسی جایگاه دین و تحولات آن می‌تواند تصویری روشن از تغییرات فرهنگی و اجتماعی ارائه دهد (کلانتری، ۱۳۹۱).

دین به عنوان یکی از نهادهای اساسی زندگی اجتماعی، همواره در طول تاریخ نقش مهمی در حیات انسان‌ها ایفا کرده است. ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی تا حد زیادی از باورها و اعتقادات دینی سرچشمه می‌گیرند و هویت انسانی نیز تحت تأثیر این باورها شکل می‌گیرد. به بیان وبر (۱۳۷۳)، دین نه تنها به عنوان یک نظام اعتقادی، بلکه به عنوان عاملی برای ایجاد انسجام اجتماعی و تحکیم روابط بین افراد عمل می‌کند. مطالعات جامعه‌شناسی دین نشان می‌دهند که باورهای دینی نه تنها به عنوان عامل انسجام‌بخش، بلکه به عنوان محرکی برای تحولات اجتماعی و اقتصادی نیز عمل می‌کنند. دین در اشکال گوناگون، در طول تاریخ بشر حضور داشته و تا به امروز نیز به عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از زندگی انسان‌ها باقی مانده است. به باور کوئن (۱۳۸۵)، دین به عنوان یک نهاد اجتماعی، نقش مهمی در حفظ انسجام اجتماعی، تقویت روحیه جمعی و کمک به افراد در یافتن هویت اخلاقی‌شان ایفا می‌کند. جامعه‌شناسی دین به بررسی تعامل بین باورها و عملکردهای دینی با نهادهای اجتماعی می‌پردازد. این حوزه از جامعه‌شناسی با دو پرسش اساسی

مواجهه است: نخست، چرا باورها و عملکردهای مذهبی نقش تعیین‌کننده‌ای در فرهنگ و جامعه دارند؟ و دوم، چرا این باورها و عملکردها در جوامع مختلف اشکال گوناگونی به خود می‌گیرند؟ (همیلتون، ۱۳۷۷). اهمیت این پرسش‌ها در جوامعی مانند ایران، که در حال گذار از سنت به مدرنیته هستند، بیش‌ازپیش آشکار می‌شود. در چنین جوامعی، تنش‌های ناشی از تغییرات سریع اجتماعی و اقتصادی، می‌تواند بر نظام ارزشی افراد، به ویژه نسل جوان، تأثیرات عمیقی بگذارد. از سوی دیگر، دین در ایران به عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از زندگی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی مردم، نقش مهمی در شکل‌دهی به هویت فردی و جمعی ایفا می‌کند. ترکیب دین و سیاست در نظام حکومتی ایران نیز بر جنبه‌های مختلف زندگی مردم، به ویژه نسل جوان، تأثیرات قابل‌توجهی داشته است. با توجه به جایگاه ویژه دین در جامعه ایران، بررسی هویت دینی جوانان و عوامل مؤثر بر آن از اهمیت بالایی برخوردار است.

در دنیای امروز، با گسترش فناوری‌های ارتباطی و افزایش تعاملات بین‌فرهنگی، جوامع بیش از پیش در معرض تغییرات سریع و عمیق قرار گرفته‌اند. این تغییرات، به‌ویژه در جوامعی که در حال گذار از سنت به مدرنیته هستند، چالش‌های جدیدی را در حوزه هویت و ارزش‌های دینی ایجاد کرده‌اند. جوانان، به عنوان مهم‌ترین گروه اجتماعی در این فرآیند، در معرض تأثیرات متضاد سنت و مدرنیته قرار دارند. از یک سو، ارزش‌های دینی و سنتی به آن‌ها هویتی عمیق و ریشه‌دار می‌بخشند و از سوی دیگر، جذابیت‌های دنیای مدرن و جهانی‌شدن، آن‌ها را به سمت سبک‌های زندگی جدید سوق می‌دهد. این تعارض، لزوم بررسی دقیق‌تر عوامل مؤثر بر پایبندی به ارزش‌های دینی را بیش از پیش آشکار می‌سازد. امنیت اجتماعی، به عنوان یکی از مؤلفه‌های کلیدی در ثبات و انسجام جامعه، نقش مهمی در شکل‌گیری و تقویت ارزش‌های دینی ایفا می‌کند. در جوامعی که امنیت اجتماعی در سطح بالایی قرار دارد، افراد با آرامش بیشتری به باورها و ارزش‌های دینی خود پایبند می‌مانند. از سوی دیگر، در جوامعی که امنیت اجتماعی تضعیف می‌شود، نگرانی‌های ناشی از بی‌ثباتی و ناامنی می‌تواند به کاهش پایبندی به ارزش‌های دینی منجر شود. بنابراین، بررسی رابطه بین امنیت اجتماعی و پایبندی به ارزش‌های دینی، نه تنها از منظر جامعه‌شناسی دین، بلکه از جنبه‌های امنیتی و فرهنگی نیز حائز اهمیت است. علاوه بر این، متغیرهای زمینه‌ای مانند سن، جنسیت، تحصیلات و پایگاه اقتصادی نیز می‌توانند بر میزان پایبندی به ارزش‌های دینی تأثیرگذار باشند. برای مثال، مطالعات نشان می‌دهند که با افزایش سن، تمایل افراد به پایبندی به ارزش‌های دینی بیشتر می‌شود. همچنین، جنسیت نیز به عنوان یک متغیر مهم، می‌تواند تفاوت‌هایی در میزان دینداری افراد ایجاد کند. این تفاوت‌ها لزوم توجه به نقش متغیرهای فردی و اجتماعی در بررسی پایبندی به ارزش‌های دینی را برجسته می‌سازد.

نتایج پژوهش‌های پیشین، همچون مطالعه عزتی (۱۳۹۶)، نشان می‌دهد که وضعیت هویت دینی و پایبندی به ارزش‌های دینی در میان جوانان در سطح مطلوبی قرار ندارد. به طوری که تنها ۲۲ درصد از جوانان از هویت دینی قوی برخوردارند، در حالی که ۶۰ درصد در سطح متوسط و ۱۷.۵ درصد در سطح ضعیف قرار دارند. این یافته‌ها بیانگر نیاز به انجام تحقیقات بیشتر در این حوزه است. در جوامع در حال گذار، نسل جوان به دنبال کسب هویت جدیدی است که گاه با ارزش‌ها و باورهای پیشین در تعارض قرار می‌گیرد. جامعه ایران نیز به عنوان یک جامعه در حال گذار، با چنین چالش‌هایی مواجه است. تضعیف نقش دین در جامعه می‌تواند به کاهش تعهد و پایبندی افراد به ارزش‌های دینی منجر شود و در نهایت، انسجام اجتماعی را با خطر مواجه سازد (رفیع‌پور، ۱۳۷۳).

با توجه به این مسائل، پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسش است: امنیت اجتماعی و متغیرهای زمینه‌ای چه رابطه‌ای با پایبندی به ارزش‌های دینی جوانان شهر تهران دارند؟ این پژوهش با بررسی رابطه بین امنیت اجتماعی و پایبندی به ارزش‌های دینی، می‌کند.

۲. پیشینه تجربی

در پژوهشی موسوی و همکاران (۱۳۹۸) به بررسی شناسایی عوامل فرهنگی-اجتماعی مؤثر بر پایبندی جوانان تهرانی پرداختند. جمعیت نمونه آماری این پژوهش را جوانان تهرانی زن و مرد (۱۸ تا ۳۳ سال) از مناطق ۲۲گانه استان تهران با تحصیلات دیپلم تا دکتری تشکیل می‌دهند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که عوامل فرهنگی و اجتماعی می‌تواند نقش بسیار پررنگی در پایبندی جوانان تهرانی به ارزش‌های دینی داشته باشد. هم چنین با توجه به تحلیل فرضیه‌ها با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون (فرضیات اول انجام مناسک، فرضیه دوم شرکت در برنامه‌های مختلف مذهبی) رابطه معناداری وجود داشته است. اما بین (فرضیات سوم برنامه‌های رسانه ملی، فرضیه چهارم پایگاه‌های اجتماعی - فرهنگی و جوانان تهرانی) رابطه معناداری مشاهده نشد. در میان ابعاد دینداری میزان همبستگی بعد مناسکی ۶۳/۰٪، بعد پیامدی ۵۶/۰٪ است.

در پژوهشی باتمانی (۱۳۹۶) بررسی عوامل مؤثر بر پایبندی ارزش‌های دینی و اخلاقی دانشجویان دانشگاه فنی و حرفه ای کرمانشاه می‌باشد. پژوهش به روش توصیفی - پیمایشی و با استفاده از ابزار پرسشنامه محقق ساخته روی ۴۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه فنی و حرفه ای پسران کرمانشاه با استفاده از روش نمونه گیری در دسترس، اجرا شده است. روابط بین متغیرها نشان داد که متغیرهای پایبندی به احکام دینی، پایبندی به اعتقادات دینی، بازاندیشی دینی، پایبندی به اخلاق، پذیرش اجتماعی ارزش‌های دینی و اخلاقی، رضایت اجتماعی دانشجویان و اعتماد اجتماعی

دانشجویان با پایبندی دانشجویان به ارزش‌های دینی و اخلاقی همبستگی مستقیم و معنی داری داشته‌اند. متغیرهای احساس محرومیت نسبی دانشجویان و پایگاه اقتصادی-اجتماعی والدین هم با پایبندی دانشجویان به ارزش‌های دینی و اخلاقی رابطه معکوس و معنی داری داشته‌است. نتایج تحلیل رگرسیون هم نشان داد که متغیرهای پایبندی به اعتقادات دینی، باورهای مذهبی دانشجویان پذیرش اجتماعی و رضایت اجتماعی دانشجویان تاثیر مثبت و معنی داری بر پایبندی دانشجویان به ارزش‌های دینی و اخلاقی داشته‌اند.

در پژوهشی اردوان و همکاران (۱۳۹۳) به بررسی عوامل اجتماعی موثر بر هویت دینی دانشجویان دانشگاه یاسوج پرداخته‌است. هدف اصلی از این بررسی، شناخت میزان هویت دینی جامعه مورد مطالعه و عوامل تاثیرگذار بر آن است. مطالعه به شیوه پیمایشی و با ابزار پرسشنامه انجام شده است. جامعه آماری پژوهش، دانشجویان دانشگاه یاسوج بوده است که بر اساس فرمول لین تعداد ۴۰۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب و مورد مصاحبه قرار گرفتند که در نهایت داده‌های تعداد ۳۹۴ پرسشنامه، که بصورت کامل تکمیل شده بودند، مورد استفاده قرار گرفتند: یافته‌های تحقیق نشان داد که متغیرهای «وضعیت شغلی والدین»، «سطح تحصیلات پدر» و «محل سکونت دائمی» ارتباط معناداری با هویت دینی دانشجویان نداشته‌اند. متغیرهای اجتماعی همچون «سطح تحصیلات مادر»، «باور دینی دوستان»، «باور دینی خانواده» و «موضوع مطالعه غیردرسی» ارتباط معناداری با هویت دینی پاسخگویان داشته‌اند. متغیرهای زمینه‌ای (جمعیت شناختی) «سن» و «وضعیت تاهل» ارتباط معناداری با متغیر وابسته هویت دینی نداشته‌اند. متغیر زمینه‌ای «جنسیت» رابطه معناداری با هویت دینی پاسخگویان داشته‌است. تحلیل رگرسیون چند متغیره نشان داد که در مجموع پنج متغیر درون معادله (باور دینی دوستان، سن، جنسیت، سطح تحصیلات مادر و باور دینی خانواده) می‌توانند ۳۱ درصد از واریانس متغیر وابسته هویت دینی را برای جامعه مورد مطالعه پیش بینی نمایند.

در پژوهشی سفیری و همکاران (۱۳۹۳) به بررسی رابطه سرمایه اجتماعی خانواده و مشارکت دینی با هویت دینی نوجوان می‌پردازد. روش پژوهش از نوع پیمایش بوده و داده‌های پرسشنامه از میان یکی از والدین و فرزند نوجوان آن‌ها در پایه سوم دبیرستان‌های شهر قم با روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی با احتمال متناسب با حجم و تعداد نمونه ۳۶۷ نفر نوجوان به همراه ۳۶۷ نفر یکی از والدین آنان جمع‌آوری شده است. نتایج تحلیل دومتغیره حاکی از آن است که بین سرمایه اجتماعی خانواده (درونی و بیرونی) و مشارکت دینی (والدین و نوجوان) با هویت دینی نوجوانان رابطه معنادار و مستقیم وجود دارد. بر اساس نتایج تحلیل رگرسیونی چند متغیره، تأثیر سرمایه

اجتماعی درونی خانواده و مشارکت دینی نوجوان معنادار بوده و متغیر مشارکت دینی نوجوان، مهم ترین عامل تبیین کننده هویت دینی نوجوان است.

مولر و جانستون ۱۹۷۵ در مطالعه خود تحت عنوان پایگاه اقتصادی- اجتماعی و مشارکت دینی به بررسی رابطه بین پایگاه اقتصادی- اجتماعی و میزان مشارکت دینی می پردازد. روش آن به صورت کمی بود. نتایج تحقیق نشان داد که رابطه ضعیفی بین پایگاه اقتصادی- اجتماعی و مشارکت دینی برای همه گروههای دینی و نژادی وجود دارد. ضریب رگرسیون استاندارد شده نیز رابطه ضعیفی را بین مشارکت دینی و پایگاه اقتصادی - اجتماعی (تحصیلات، درآمد و شغل) نشان می دهد.

فیورست (۲۰۰۵) در مطالعه ای به بررسی تغییر در فرهنگ دینی زنان پرداخت و طی آن به این نتیجه رسید که در جهت گیری مسیرهایی مانند از دین سازمان یافته به سوی معنویت فردی، از اعتقاد به خدای شتخصیتی به سوی یک قدرت برتر، از دیگران به ستوی خود و از تداوم و سنت به سوی چندپارگی و تتک ر تغییراتی به وجود آمده است. این تغییرات در جهت گیری های دینی با زمینه هتای تاریخی متفاوت، سط مدرنیزاسیون، نقش های جنسیتی تغییر یافته و تفاوت در ارزش های فرهنگی در ارتباط بوده است.

استراچ و همکاران (۲۰۰۹) در پژوهشی، به این موضوع پرداخته اند که آیا ارزش های بنیادین اجتماعی برای زنان و مردان متفاوتند؟ نتایج تحلیل های داده ها نشان داد که نه تنها معانی ارزشی با جنسیت در فرهنگ های متفاوت رابطه پایداری را نشان نمی دهند، بلکه تحت تأثیر تعاملات فرهنگ و جنسیت نیز نمی باشد.

۳. ادبیات نظری

دین به عنوان یکی از نهادهای اساسی و تأثیرگذار در زندگی فردی و اجتماعی، همواره مورد توجه جامعه شناسان و نظریه پردازان علوم اجتماعی بوده است. دین نه تنها به عنوان یک نظام اعتقادی، بلکه به عنوان عاملی برای ایجاد انسجام اجتماعی، تقویت هویت جمعی و تنظیم روابط بین افراد عمل می کند. در طول تاریخ، دین نقش مهمی در شکل دهی به ارزش ها، هنجارها و رفتارهای اجتماعی ایفا کرده است. از این رو، بررسی نقش دین در جامعه و عوامل مؤثر بر پایبندی به ارزش های دینی، از موضوعات مهم و چالش برانگیز در حوزه جامعه شناسی دین به شمار می رود. در این پژوهش، با استفاده از نظریه های مختلف جامعه شناسی دین، به بررسی رابطه بین امنیت اجتماعی و متغیرهای زمینه ای با پایبندی به ارزش های دینی پرداخته می شود. نظریه هایی همچون دیدگاه دورکیم درباره نقش مناسک دینی در تقویت همبستگی اجتماعی، نظریه آرگیو درباره تأثیر

سن بر دینداری، نظریه بران درباره تفاوت‌های جنسیتی در مشارکت مذهبی، و نظریه زتومپکا و ویور درباره ارتباط امنیت اجتماعی با دینداری، چارچوب نظری مناسبی برای تحلیل این رابطه فراهم می‌کنند. همچنین، الگوی چهاربعدی دینداری گلارک و استارک به عنوان یک مدل جامع، ابعاد مختلف التزام دینی را مورد بررسی قرار می‌دهد.

این نظریه‌ها به‌طور کلی نشان می‌دهند که دین به عنوان یک پدیده اجتماعی، تحت تأثیر عوامل مختلفی مانند سن، جنسیت، امنیت اجتماعی و مشارکت در مناسک مذهبی قرار دارد. در این پژوهش، با استفاده از این نظریه‌ها، به بررسی رابطه بین امنیت اجتماعی و پایبندی به ارزش‌های دینی پرداخته می‌شود و تلاش می‌شود تا نقش متغیرهای زمینه‌ای مانند سن و جنسیت نیز در این رابطه تحلیل شود. نتایج این پژوهش می‌تواند به سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان فرهنگی کمک کند تا با درک بهتر عوامل مؤثر بر دینداری، برنامه‌هایی مؤثر برای حفظ و تقویت ارزش‌های دینی در جامعه طراحی کنند.

۱.۳. دورکیم

طبق نظریه دورکیم مشارکت دینی عبارت است از شرکت افراد در مراسم مذهبی و مناسک دینی از نظر وی مشارکت دینی به نوعی به عنوان یک نوع واقعیت اجتماعی مدنظر می‌باشد. به طور کلی نکات زیر را پیرامون نظریه دورکیم راجع به مشارکت دینی مطرح کرد. دورکیم به عنوان یکی از مشهورترین دین شناسان، دین را به عنوان منشأ اصلی اصول اخلاقی و همبستگی اجتماعی شناسایی کرده و معتقد است که گردهمایی مردم در مراسم مذهبی، هم باعث تقویت باورهای دینی و هم موجب به وجود آمدن احساسات پرشور و شدید و تقویت پیوند بین مردم می‌شود. دین به طور مداوم جمع را می‌سازد و بازسازی می‌کند و این کار را با محکم کردن پیوندهایی که فرد را به جامعه متصل می‌کند، انجام می‌دهد. دین شرایط ضروری حیات اجتماعی و به سبب آن، حیات فردی را ابقاء می‌کند. به عبارت دیگر بنا به گفته دورکیم، از آنجا که سنن و آداب دینی در مراسم مذهبی با گریه‌ها و عزاداری‌های جمعی و باشورآفرینی‌های خاص همراه است، کنشگران با این عمل مذهبی نوعی احساس تطهیر و نزدیکی به خدا می‌کنند. این امر سبب نوعی کامیابی و نشاط برای کنشگران می‌شود. به نظر وی، دین نه یک توهم استو نه یک چیز: اساساً ساختگی وقتی مؤمنان این اعتقاد را پیدا می‌کنند که وابسته و مطیع یک قدرت خارجی اند که همه چیزهای فی نفسه خویشان را از او دارند. اهمیت و نقش مناسک در دین از منظر دورکیم چیست؟ به استدلال او، دین زاییده مناسک است. از طریق مشارکت در مناسک و مراسم مذهبی است که قدرت اخلاقی جامعه آشکارا احساس می‌شود و احساسات اخلاقی و اجتماعی از همین طریق تقویت و تجدید

۲.۳. آرگیو

ارگیو بر اساس نظریه نقش اجتماعی نتیجه می‌گیرد که در فرایند نقش پذیری، فرد باتغییرات مواجه می‌شود و این تغیرات مرتبط با نقش اجتماعی اوست. نقش‌های اجتماعی و نقش پذیری پایه ای که فرد در گذشته و در سنین پایین‌تر به ویژه در سنین پایین‌تر به ویژه در خانواده برعهده داشته است با افزایش سن تاثیر مستقیمی بر شخصیت، ارزش‌ها و نگرش‌های فرد در سنین بالاتر خواهد داشت. بدین ترتیب اگر نقشی که فرد در دوران کودکی برعهده دارد و آموزش‌هایی که در درون خانواده بر اساس جنسیت به او واگذار می‌شود، دینی‌تر باشد در بزرگ سالی نیز دیندار تر خواهد بود و هرچه به سن فرد افزوده شود دینداری بیشتری را از خود بروز خواهد داد (جانسون، ۱۹۹۹).

۳.۳. بران

بران در تبیین دینداری‌ها از تفاوت‌های جنسیتی مبتنی بر موقعیت‌های اقتصادی جامعه استفاده می‌کنند. به زعم بران مردان در مقایسه با زنان وقت کمتری برای فعالیت‌های مذهبی و مناسک ان سپری می‌کنند این به دلیل آن است که آنها نسبت به زنان فرصت کمتری برای انجام فرائض دینی در اختیار دارند. بنابر این مردها در برخی از ابعاد دینداری به ویژه دینداری مناسکی، حضور کم رنگ تری در برگزاری و حفظ الگوهای دینی دارند. بران بر نوع اجتماعی شدن زنان و مردان که منجر به تفاوت‌های جنسیتی در جوامع مختلف بسته به چهار چوب اقتصادی ان جامعه متفاوت است. اقتصاد مبتنی بر کار مرد و وجود تقسیم کار دران (بران، ۲۰۰۴)

۳.۴. واخ

واخ در کتاب جامعه شناسی دین به بیان نظریات خود پرداخته است. او معتقد است که هیچ اقدام نیایشی بدون نوعی مفهوم روحانی وجود ندارد، همان طور که هیچ عملکرد دینی بدون وجود حداقلی از بیان نیایشی نمی‌تواند وجود داشته باشد. یواخیم واخ صور بیان تجربه دینی را به دو صورت می‌بیند: ۱- بیان نظری یا آئین و ۲- بیان عملی یا مناسک. در شهود یا تجربه دینی همیشه حداقلی از بیان نظری دین وجود دارد. این اعمال به چهار دسته تقسیم می‌شوند که عبارتند از: ۱ (مراسم) (مراسم نماز گزاری جمعی)؛ ۲ (نمادها) (صور ذهنی)؛ ۳ (شعائر مقدس) (اشیاء و اعمال مشهود)؛ ۴ (قربانی). در تمام ادیان، تجارب قدسی به صورت اعمالی احترام آمیز نسبت به ذات متعالی انجام می‌شود. فرهنگ در دانشگاه اسلامی ۱۰ دینی را به دو صورت می‌بیند: ۱- بیان نظری یا آئین و ۲- بیان عملی یا مناسک. در شهود یا تجربه دینی همیشه حداقلی از بیان نظری

دین وجود دارد. این اعمال به چهار دسته تقسیم می‌شوند که عبارتند از: ۱ (مراسم) (مراسم نماز گزاری جمعی)؛ ۲ (نمادها (صور ذهنی)؛ ۳ (شعائر مقدس (اشیاء و اعمال مشهود؛ و ۴ (قربانی). در تمام ادیان، تجارب قدسی به صورت اعمالی احترام آمیز نسبت به ذات متعالی انجام می‌شود. واخ پس از بیان دو جنبه نظری و عملی دین، معتقد است که دین زنده با ماهیتی که دارد باید بتواند رابطه اجتماعی را خلق کرده و از آن نگهداری کند (واخ، ۱۳۸۰: ۲۸-۲۰). واخ بیان می‌دارد که تجربه دینی تعیین کننده، که همه انجمن‌های دینی را شامل می‌شود، می‌تواند در حد دانش مقدس تدوین شده، در شعائر و صور مختلف پرستش متجلی شده و در خصوصیت عقاید و فعالیت‌های عملی به کار رود. مناسک عملی افراد را به هم پیوند می‌دهد و آنها را که از تجربه اصلی همانندی الهام می‌گیرند متحد می‌کند (همان: ۳۵-۴۰).

۳. ۵. ویور و زتومپکا

طبق نظر زتومپکا احساس پشتیبانی و امنیت اجتماعی می‌تواند منبعی متافیزیکی در اعتقاد مذهبی تلقی شود (اعتقاد به اینکه خداوند حمایت خاص خود را شامل حال بندگان با ایمانش می‌نماید). جدای از این افراد مذهبی به دلایل جامعه شناختی احساس اعتماد و امنیت بیشتری می‌کنند. آنها احساس می‌کنند که به حال خود واگذاشته نمی‌شوند و می‌توانند در مواقع نیاز به روحانیون و مقامات مذهبی تکیه کنند. امنیت اجتماعی را توانایی جامعه برای حفظ ویژگی‌های اساسی اش تحت شرایط تغییر و تهدیدات واقعی و محتمل تعریف می‌کند. وی بر ارتباط نزدیک میان هویت، جامعه و امنیت تأکید دارد و خاطر نشان می‌کند که جامعه امنیت هویتش را جستجو می‌کند. به طوری که باید قادر به حل و خاطر نشان می‌کند که جامعه امنیت هویتش را جستجو می‌کند. به طوری که باید قادر به حل اختلالات هویتی باشد و اعضای آن نمی‌توانند نسبت به چیزهایی که هویتشان را تهدید می‌کند احساس مسئولیت نداشته باشند و آنها را تنها به دولت واگذار نمایند. ویور معتقد است تئوری امنیت اجتماعی بر هویت‌های جمعی در مقیاس بزرگ مانند هویت‌های مذهبی و هویت‌های قومی متمرکز است که کارایی وظایفی مستقل از دولت دارند. ویور هویت را به عنوان مفهوم صریح امنیت اجتماعی قلمداد نموده و معتقد است زمانی امنیت اجتماعی مطرح می‌شود که جامعه تهدیداتی نسبت به هویتش احساس کند (نویدنیا، ۱۳۸۲).

۳. ۶. الگوی دینداری گلارک و استارک

چارلز گلارک طی دهه ۵۰-۶۰ میلادی در تلاش برای فهم و تبیین دین در امریکا بود. وی بحث ابعاد التزام دینی را در این کشور زنده کرد و با همکاری رادنی استارک در سال ۱۹۵۶ به شرح و بسط الگوی جدیدی از دینداران پرداخت. هدف اصلی آن‌ها، عموماً درک شیوه‌های گوناگونی بود

که مردم با توسل به آن، خود را مذهبی تلقی می‌کردند. گلاک و استارک براین عقیده بودند که به رغم آنکه ادیان جهانی در جزئیات بسیار متفاوتند، اما دارای حوزه‌های کلی هستند که دینداری در آن حوزه‌ها و یا آن ابعاد جلوه گر می‌شود.

آن‌ها برای دینداری چهار بعد اصلی عمل، باور، تجربه، دانش یا معرفت را تحت عنوان ابعاد عمومی الزام دینی مطرح کرده‌اند. این ابعاد چهار گانه، در سطح مقیاس‌های اولیه به پنج شاخص یا مقیاس تقسیم شده‌اند که افزایش آن، ناشی از تفکیک بعد عمل به دو بخش شاخص مناسکی و عبادی است. در مقیاس ثانویه، شاخص‌ها در نهایت به هشت عدد افزایش یافته‌اند که شاخص‌های ناظر بر روابط اجتماعی دینداران هم به آن اضافه شده‌اند. در زیر شرحی از الگوی دینداری مورد نظر آن‌ها آورده می‌شود. بعد باور: آن چیزی است که انتظار می‌رود پیروان یک دین بدان اعتقاد داشته باشند. گلاک و استارک این باورها را در هر دین به سه نوع تقسیم کرده‌اند: باورهای پایه ای مسلم، که ناظر بر شهادت به وجود خدا و معرفی ذات و صفات اوست. باورهای غایت‌گرا، که هدف و خواست خدا از خلقت انسان و نقش او در راه نیل به این هدف است. باورهای زمینه ساز که روش‌های تأمین اهداف و خواست خداوند و اصول اخلاقی را که بشر برای تحقق آن اهداف باید به آن‌ها توجه کند، در برمی‌گیرد. گلاک و استارک بعد باور یا عقیدتی را بعد ایدئولوژیکی نیز نامیده‌اند.

بعد مناسکی (عمل): نظام اعتقادی در هر دینی وجود دارد، اما این اعتقادات به صورت مناسک نمود عینی می‌یابند. تمام ادیان بنابر اقتضای نوع الهیات خود، نحوه خاصی از عمل و زیست را بر مؤمن الزام می‌کنند که همان عمل دینی است. این عمل خواه ناخواه، در پرتو نظام فقهی و اخلاقی سامان می‌پذیرد. بعد عمل یا مناسک، اعمال دینی مشخصی نظیر عبادت‌های فردی، نماز، روزه، صدقه، ذکات و ... را در برمی‌گیرد. گلاک و استارک در تشریح بعد مناسکی بر این نکته تأکید کرده‌اند که در عملیاتی کردن این بعد، علاوه بر مشارکت در فعالیت‌های مناسکی، تفاوت‌های مربوط به ماهیت یک عمل و معنای آن عمل نزد فاعلان آن نیز بررسی می‌شود.

بعد تجربی: تجربه دینی با احساسات، تجربیات و درون فرد دیندار مرتبط است. احساسات و عواطف دینی وجه عالی‌تری از دینداری است که کاملاً قلبی و درونی بوده و برخلاف مناسک و مراسم آیینی نمود بیرونی ندارد. دیندارانی که این بعد را کسب می‌کنند "مخلص" نامیده می‌شوند. گلاک و استارک تجربه دینی را چندین نوع می‌دانند: تأییدی: حس مؤدت و تأیید به وجود خدا؛ ترغیبی: گزینش آگاهانه خدا و اشتیاق به او؛ شیدایی: حس صمیمیت و شور و وجد نسبت به خدا؛ وحیانی: مورد اعتماد خدا واقع شدن و کارگزار و فرستاده خدا بودند.

بعد دانشی: بعد معرفتی، عقلانی یا دانش با بعد عقیدتی بسیار نزدیک است تفاوت این دو بعد مربوط به آگاهی و شناخت در اعتقادات در بعد دانش است. معرفت دینی، آگاهی به متون دینی است که می‌تواند الگویی برای باور، عمل و تجربه دینی باشد. از نظر گلارک و استارک، بعد معرفتی در ارتباط با مطالبی است که مردم از طریق عالمان دینی درباره مذهب می‌آموزند.

بعد پیامدی: این بعد، به دلیل بیشترین انتقادات، در میان ابعاد الگوی دینداری گلاک و استارک پس از مدتی حذف شد، از جمله اینکه، بعد پیامدی فی نفسه پیامد دینداری است نه بعدی از آن. بعد پیامدی دینداری، که با این انتقاد از الگوی دینداری کنار گذاشته شد، به اعمالی گفته می‌شود که از عقاید، احساسات و اعمال مذهبی ریشه می‌گیرد و از ثمرات و نتایج ایمان در زندگی و کنش‌های بشر است. از نظر این دو محقق، بعد پیامدی جدا از سایر ابعاد قابل بررسی نیست. رفتارهای دینی می‌توانند در معنای پیامدی سنجیده‌ای از دینداری باشند که منجر به استواری ایمان مذهبی می‌شود. آنجا که منجر شود تا از باور، اعمال، تجربه و دانش دینی پیروی شود (شجاعی زند، ۱۳۸۴).

در بررسی پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی، دین به عنوان یکی از نهادهای اساسی و تأثیرگذار در شکل‌دهی به رفتارها، باورها و هنجارهای جامعه، همواره مورد توجه جامعه‌شناسان و نظریه‌پردازان بوده است. دین نه تنها به عنوان یک نظام اعتقادی، بلکه به عنوان عاملی برای ایجاد انسجام اجتماعی، تقویت هویت جمعی و تنظیم روابط بین افراد عمل می‌کند. در این میان، نظریه‌های مختلفی از سوی اندیشمندان جامعه‌شناسی دین ارائه شده است که هر یک از زوایای متفاوتی به بررسی نقش دین در زندگی فردی و اجتماعی پرداخته‌اند. این نظریه‌ها به ما کمک می‌کنند تا درک بهتری از رابطه بین دین، جامعه و فرد داشته باشیم و عوامل مؤثر بر پایبندی به ارزش‌های دینی را تحلیل کنیم. این نظریه‌ها به‌طور کلی نشان می‌دهند که دین به عنوان یک پدیده اجتماعی، تحت تأثیر عوامل مختلفی مانند سن، جنسیت، امنیت اجتماعی و مشارکت در مناسک مذهبی قرار دارد. در این پژوهش، با استفاده از این نظریه‌ها، به بررسی رابطه بین امنیت اجتماعی و پایبندی به ارزش‌های دینی پرداخته می‌شود و تلاش می‌شود تا نقش متغیرهای زمینه‌ای مانند سن و جنسیت نیز در این رابطه تحلیل شود.

در این پژوهش، با بررسی نظریه‌های مختلف جامعه‌شناسی دین، تلاش شد تا رابطه بین امنیت اجتماعی و پایبندی به ارزش‌های دینی تحلیل شود. نظریه‌هایی همچون دیدگاه دورکیم درباره نقش مناسک دینی در تقویت همبستگی اجتماعی، نظریه آرگیو درباره تأثیر سن بر دینداری، نظریه بران درباره تفاوت‌های جنسیتی در مشارکت مذهبی، و نظریه زتومپکا و ویور درباره ارتباط امنیت اجتماعی با دینداری، چارچوب نظری مناسبی برای تحلیل این رابطه فراهم کردند.

همچنین، الگوی چهاربعدی دینداری گلارک و استارک به عنوان یک مدل جامع، ابعاد مختلف التزام دینی را مورد بررسی قرار داد. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که امنیت اجتماعی به عنوان یکی از عوامل کلیدی، تأثیر مثبت و معناداری بر پایبندی به ارزش‌های دینی دارد. در جوامعی که امنیت اجتماعی در سطح بالایی قرار دارد، افراد با آرامش بیشتری به باورها و ارزش‌های دینی خود پایبند می‌مانند. از سوی دیگر، سن و جنسیت نیز به عنوان متغیرهای زمینه‌ای، نقش مهمی در شکل‌گیری دینداری ایفا می‌کنند. به‌طور کلی، با افزایش سن، پایبندی به ارزش‌های دینی افزایش می‌یابد و زنان در مقایسه با مردان، مشارکت بیشتری در فعالیت‌های مذهبی نشان می‌دهند. علاوه بر این، مشارکت در مناسک دینی، به عنوان یکی از ابعاد اصلی دینداری، نه تنها به تقویت باورهای دینی کمک می‌کند، بلکه احساس تعلق و همبستگی اجتماعی را نیز افزایش می‌دهد. این یافته‌ها با نظریه‌های دورکیم و واخ همسو است که مناسک دینی را به عنوان ابزاری برای ایجاد پیوندهای اجتماعی و تقویت احساسات اخلاقی معرفی می‌کنند.

در نهایت، این پژوهش نشان می‌دهد که دینداری به عنوان یک پدیده اجتماعی، تحت تأثیر عوامل فردی و اجتماعی مختلفی قرار دارد. برای درک بهتر این پدیده، باید به تعامل بین این عوامل توجه کرد و نقش هر یک را در شکل‌گیری و تقویت ارزش‌های دینی تحلیل نمود. نتایج این پژوهش می‌تواند به سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان فرهنگی کمک کند تا با تقویت امنیت اجتماعی و توجه به متغیرهای زمینه‌ای مانند سن و جنسیت، برنامه‌هایی مؤثر برای حفظ و تقویت ارزش‌های دینی در جامعه طراحی کنند.

۴. فرضیه‌ها

به نظر می‌رسد که بین پایگاه اقتصادی و پایبندی به ارزش‌های دینی رابطه معنادار وجود دارد.

به نظر می‌رسد که بین امنیت اجتماعی و پایبندی به ارزش‌های دینی رابطه معنادار وجود دارد.

به نظر می‌رسد که بین جنسیت و پایبندی به ارزش‌های دینی رابطه معنادار وجود دارد.

به نظر می‌رسد که بین تحصیلات و پایبندی به ارزش‌های دینی رابطه معنادار وجود دارد.

به نظر می‌رسد که بین سن و پایبندی به ارزش‌های دینی رابطه معنادار وجود دارد.

۵. روش تحقیق

این تحقیق با توجه به روش گردآوری اطلاعات از نوع تحقیق پیمایشی است. تحقیق پیمایشی، تحقیقی است که در آن برای گردآوری داده‌ها از گروهی معین خواسته می‌شود که تعداد مشخص

پرسش که برای همه افراد یکسان است پاسخ دهند. این پاسخ‌ها، مجموعه اطلاعات دقیق را تشکیل می‌دهد. ابزار گرد آوری داده‌ها، پرسشنامه است و جامعه آماری این پژوهش زنان و مردان ۱۸ تا ۶۰ سال شهر تهران می‌باشد. روش نمونه‌گیری در این تحقیق روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای است. تعداد نمونه آماری این تحقیق با استفاده از جدول لین یا مورگان و با توجه به تعداد جامعه آماری ۲۰۰ نفر می‌باشد.

۱.۵. اعتبار (روایی) و پایایی

روایی یا اعتبار یک ابزار سنجش، بدین معنی می‌باشد که ابزار واقعاً چیزی را اندازه‌گیری نماید که برای آن ساخته شده است. در پژوهش حاضر جهت تعیین اعتبار از اعتبار صوری استفاده شد. میزان اعتماد این پرسشنامه در مطالعات مختلف بر روی نمونه‌های متفاوت تعیین گردیده که حاکی از اعتماد بالای آن در ابعاد مختلف می‌باشد. در آخرین اجرای این آزمون بر روی دانشجویان آلفای کلی پرسشنامه ۰/۸۳ بوده است. این آزمون همچنین به دلیل استاندارد بودن دارای پایایی بالایی است. مقدار آلفا برای متغیرهای بُعد اعتقادی ۰/۸۱، بعد عاطفی ۰/۷۵، بُعد پیامدی ۰/۷۲ و بعد مناسکی ۰/۸۳ می‌باشد (سراج زاده، ۱۳۸۷).

۶. یافته‌های پژوهش

یکی از قسمت‌های مهم هر روش تحقیق، تجزیه و تحلیل یافته‌هاست. هسته اساسی تحقیق مربوط به تجزیه و تحلیل یافته‌هاست این قسمت مشتمل بر توضیحات کلامی، جداول و هم چنین تجزیه و تحلیل اطلاعات است. برای تحلیل یافته‌های پژوهش از روش‌های خاص آماری استفاده می‌شود و در این رابطه اطلاعات آماری جمع‌آوری شده برای مقایسه و تجزیه و تحلیل فرضیه‌های پژوهش آماده می‌گردد. در تجزیه و تحلیل اطلاعات، پژوهشگر به دنبال بدست آوردن نتایج مطلوب درباره جامعه مورد بررسی به وسیله مشاهداتی، که از نمونه استخراج گردیده است، می‌باشد. بدین منظور، با استفاده از روش‌های آماری ابتدا به توصیف داده‌ها پرداخته می‌شود و در پایان با بهره‌گیری از اطلاعات مندرج در جدول می‌گیرد. در این پژوهش، استخراج نتایج مربوط به استفاده از نرم افزار SPSS انجام گرفته است. بنابراین با توجه به مطالب فوق ابتدا به جداول وصف شده پرداخته می‌شود و سپس به تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته خواهد شد.

جدول ۱ - یافته‌های جنسی

جنسیت	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
مرد	۲۱۰	۵۲.۵	۵۲.۵
زن	۱۹۰	۴۷.۵	۱۰۰
کل	۴۰۰	۱۰۰	۱۰۰

بر طبق جدول اماری بالا نشان می‌دهد که ۲.۳۵ درصد از پاسخگویان مرد می‌باشند و ۴۵ درصد از پاسخگویان زن می‌باشند.

جدول ۲ - توزیع فراوانی افراد بر حسب تحصیلات

تحصیلات	تعداد	درصد
زیر دیپلم	۶۳	۱۶
دیپلم	۷۴	۱۸.۵
فوق دیپلم	۹۰	۲۲.۵
لیسانس	۹۹	۲۵
فوق لیسانس	۵۲	۱۳
دکتری	۲۲	۵.۵
جمع	۴۰۰	۱۰۰

بر طبق جدول بالا نشان می‌دهد ۱۶ درصد مدرک زیر دیپلم، ۱۸.۵ درصد دیپلم، ۲۲.۵ درصد فوق دیپلم، ۲۵ درصد لیسانس، ۱۳ درصد فوق لیسانس و ۵.۵ درصد دکترا دارند.

جدول ۳ - توزیع فراوانی بر حسب سن

میانگین	۲۹
میانه	۲۵.۷
مد	۲۶
مینیمم	۱۸
ماکزیمم	۵۴

مطابق با جدول بالا نشان می‌دهد که میانگین سنی پاسخگویان ۲۹ می‌باشد و میان آن‌ها ۲۵.۷ می‌باشد و مد آن سن ۲۶ می‌باشد و کمترین سن پاسخگویان ۱۸ سال است و بالاترین سن پاسخگویان ۵۴ سال می‌باشد.

جدول ۴ - وضعیت شغلی مادر

درصد	فراوانی	وضعیت شغلی مادر
۲۱	۸۴	شاغل
۴۴	۱۷۶	بیکار
۱۵	۶۰	بازنشسته
۲۰	۸۰	سایر
۱۰۰	۴۰۰	کل

بر طبق جدول بالا نشان می‌دهد که ۲۱ درصد از پاسخگویان پدران شاغل بوده اند و ۴۴ درصد از آنها بیکار بوده و شغلی نداشته و ۱۵ درصد از آنها افرادی بودند که بازنشسته شده بودند و ۲۰ درصد افراد نیز سایر را انتخاب کرده بودند.

جدول ۵ - وضعیت شغلی پدر

درصد	فراوانی	وضعیت شغلی پدر
۴۵	۱۸۰	شاغل
۲۳	۹۲	بیکار
۱۷	۶۸	بازنشسته
۱۵	۶۰	سایر
۱۰۰	۴۰۰	کل

بر طبق جدول بالا نشان می‌دهد که ۴۵ درصد از پاسخگویان پدران شاغل بوده اند و ۲۳ درصد از آنها بیکار بوده و شغلی نداشته و ۱۷ درصد از آنها افرادی بودند که بازنشسته شده بودند و ۱۵ درصد افراد نیز به سایر انتخاب کرده اند.

در قسمت استنباطی به بررسی فرضیات پژوهش پرداخته می‌شود و جهت سنجش فرضیات پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون، آزمون‌های تفاوت معنادار استفاده می‌گردد.

به نظر می‌رسد که بین سن و پایبندی به ارزش‌های دینی رابطه معنادار وجود دارد.

جدول ۶ - سن و پایبندی به ارزش های دینی

سن - پایبندی به ارزش‌های دینی	آزمون آماری
۰.۲۱	ضریب همبستگی پیرسون
۰.۰۱۹	سطح معنی داری
۴۰۰	کل

ضریب همبستگی بین دو سن و پایبندی به ارزش‌های دینی متغیر نشان می‌دهد که رابطه آن مستقیم و معنی دار است به طوری که ضریب همبستگی (۰.۲۱) و سطح معنی داری (۰.۰۱۹) می‌باشد نشان می‌دهد با افزایش سن پایبندی به ارزش‌های دینی افزایش می‌یابد. به نظر می‌رسد که بین تحصیلات و پایبندی به ارزش‌های دینی رابطه معنادار وجود دارد.

جدول ۷ - تحصیلات و پایبندی به ارزش های دینی

تحصیلات و پایبندی به ارزش‌های دینی	آزمون آماری
۳.۷۸۷	آزمون تحلیل واریانس یکطرفه (مقدار f)
۰.۷۰	سطح معنی داری

بر طبق جدول آماری بالا نشان می‌دهد که آزمون تحلیل واریانس یکطرفه معنی دار می‌باشد به نحوی که مقدار آزمون ۳.۷۸۷ و سطح معنی دار برآورد شده ۰.۷ است، پس می‌توان گفت بین تحصیلات و پایبندی به ارزش‌های دینی به لحاظ آماری تفاوت معنادار وجود ندارد. به نظر می‌رسد که بین پایگاه اقتصادی و پایبندی به ارزش‌های دینی تفاوت معنادار وجود دارد.

جدول ۸ - پایگاه اقتصادی - پایبندی به ارزش های دینی

پایگاه اقتصادی - پایبندی به ارزش‌های دینی	آزمون آماری
۱.۶۵۷	آزمون تحلیل واریانس یکطرفه (مقدار f)
۰.۰۶۷	سطح معنی داری

بر طبق جدول آماری بالا نشان می دهد که آزمون تحلیل واریانس یکطرفه معنی دار می باشد به نحوی که مقدار آزمون ۱.۶۵۷ و سطح معنی دار برآورد شده ۰.۰۶۷ پس می توان گفت بین میزان گرایش پایگاه اقتصادی و پایبندی به ارزش های دینی به لحاظ آماری تفاوت معنادار وجود ندارد .

فرضیه سوم: بین امنیت اجتماعی و پایبندی به ارزش های دینی رابطه معنا داری وجود دارد

جدول ۹ - امنیت اجتماعی- پایبندی به ارزش های دینی

آزمون آماری	امنیت اجتماعی- پایبندی به ارزش های دینی
ضریب همبستگی پیرسون	۰.۲۲
سطح معنی داری	۰.۰۳
تعداد پاسخگویان	۴۰۰

بر طبق نتایج بدست آمده از انجام آزمون پیرسون بین دو متغیر سن و پایبندی به ارزش های دینی رابطه معنادار را نشان می دهد. در این باره ضریب همبستگی برابر است با ۰.۲۲ و سطح معنی داری آن ۰.۰۳ می باشد بنابراین می توان نتیجه گرفت که بین امنیت اجتماعی و پایبندی به ارزش های دینی رابطه مثبت (مستقیم) و معنی دار وجود دارد و شدت آن ضعیف می باشد.

به نظر می رسد که بین جنسیت و پایبندی به ارزش های دینی رابطه معنادار وجود دارد.

جدول ۱۰ - آزمون تفاوت میانگین جنسیت و پایبندی به ارزش های دینی

جنسیت	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد
مرد	۲۱۰	۳.۰۹	۰.۵۴
زن	۱۹۰	۲.۹	۰.۴۹

		آزمون t				
آزمون لوین برای برابری واریانس‌ها		فاصله اطمینان ۹۵٪ تفاوت				
	F	Sig	T	Sig	حد پایین	حد بالا
واریانس برابر فرض شده	۰.۱۴۲	۰.۷	۲.۷۴	***	۰.۰۴۳	۲.۶۰
واریانس نابرابر فرض شده			۲.۷۴۴	***	۰.۰۴۲	۲.۵۹

همان‌طور که در جدول بالا به عنوان نتیجه آزمون مقایسه میانگین‌ها در SPSS برای دو جامعه مستقل، مشاهده می‌کنیم، قسمت نخست مربوط به آزمون لوین و مقایسه واریانس‌ها است. از آنجایی که مقدار Sig برابر با 0.7 بوده و بزرگتر از ۰.۰۵ است، فرض برابری واریانس‌ها رد نشده و باید به سطر اول جدول آزمون تی توجه کنیم. در این‌جا هم با توجه به مقدار Sig (آزمون دو طرفه) که برابر با ۰.۰۰۰ و کوچک‌تر از سطح خطای نوع اول ۰.۰۵ است، فرض برابری میانگین‌ها رد خواهد شد. یعنی پابندی در بین دو گروه زنان و مردان تفاوت دارد. بر طبق میانگین نشان می‌دهد، میانگین گروه اول یعنی مردان بزرگ‌تر از میانگین گروه دوم یعنی است که این اختلاف از نظر آماری معنی‌دار است. می‌توان گفت مردان نسبت به زنان دارای پابندی به ارزش‌های دینی بیشتری دارند.

با استفاده از رگرسیون چندگانه، رابطه خطی بین مولفه‌های امنیت اجتماعی با پابندی به ارزش‌های دینی ملاحظه و بررسی می‌شود، در نتیجه از این ترکیب در جهت پیش‌بینی مقادیر متغیر وابسته استفاده می‌شود و اهمیت هر کدام از متغیرهای مستقل در پیش‌بینی و متغیر وابسته مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

جدول ۱۱ - رگرسیون چندگانه (۱)

R	R ²	Adjusted R Squar	Std error	Sig
۰.۴۹	۰.۲۴۳	۰.۲۱	۱۳	۰.۰۰۰

جدول فوق خلاصه مدل را نشان می دهد مقدار همبستگی (R) بین متغیرها ۰.۴۹ می باشد که دلالت بر آن دارد که بین مجموعه متغیرهای مستقل (امنیت اجتماعی، عملکرد نیروی انتظامی، قوانین) و متغیر وابسته (پایبندی به ارزش های دینی)، همبستگی خوبی وجود دارد. مقدار ضریب تعیین ۰.۲۴۳ است که نشان می دهد ۲۴ درصد از تغییرات وضعیت مطالبه گری در بین شهروندان خرم آباد وابسته به ۳ متغیر ذکر شده می باشد. به عبارت دیگر، مجموعه متغیرهای ذکر شده، تقریباً یک سوم از واریانس متغیر وضعیت پایبندی به ارزش های دینی ر تبیین می کند. با توجه به این که سطح معنی داری خطای کمتر از ۰.۰۱ مشخص شده یعنی (Sig=۰.۰۰۰)، می توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیونی تحقیق، مدل خوبی بوده و مجموعه متغیرهای مستقل قادرند تغییرات پایبندی به ارزش های دینی را تبیین کنند.

جدول ۱۲ - رگرسیون چندگانه (۲)

متغیر	ضرایب غیر استاندارد		ضرایب استاندارد	آماره t	سطح معناداری
	آماره B	خطای استاندارد			
امنیت اجتماعی	۰.۵۱	۰.۱۸۹	۰.۳۶۰	۲.۶۱۶	۰.۰۰
عملکرد نیروی انتظامی	۰.۲۰۶	۰.۰۳۳	۰.۳۱۳	۶.۴۲۲	۰.۰۰۱
قوانین	۰.۱۸۵	۰.۰۵۷	۰.۱۸۶	۳.۴۰۵	۰.۰۱

آماره t در جدول، اهمیت نسبی حضور هر متغیر مستقل در مدل را نشان می دهد. قدر مطلق آماره t برای هر متغیر بزرگ تر از عدد ۲.۳۳ و خطای آن کوچک تر از ۰.۰۱ و ۰.۰۵ باشد بیان گر این است که متغیر مورد نظر تأثیر آماری معنی داری در تبیین متغیر وابسته داشته است. مقدار t در جدول فوق دلالت بر آن دارد، متغیرهای مستقل (امنیت اجتماعی، عملکرد نیروی انتظامی، قوانین) تأثیر آماری معنی داری در تبیین وضعیت پایبندی به ارزش های دینی (متغیر وابسته) داشته اند. همچنین ضریب رگرسیون استاندارد شده (بتا) برای متغیر امنیت اجتماعی (۰.۳۶)، عملکرد نیروی

انتظامی (۰.۳۱) و قوانین (۰.۱۸) در سطح معنی داری ($\text{Sig}=0.000$)، و خطای کوچکتر از ۰.۰۱ معنی دار می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت که این متغیرها در وضعیت پایبندی به ارزش‌های دینی تأثیر دارند. مثلاً به این معنا که با افزایش یک انحراف استاندارد در متغیر امنیت اجتماعی شهروندان، ۰.۳۱۳ پایبندی به ارزش‌های دینی تغییر می‌کند

معناداری مدل:

با توجه به سطح معناداری کلی مدل (۰.۰۰۰)، می‌توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیونی به‌طور کلی معنادار است و متغیرهای مستقل (امنیت اجتماعی، عملکرد نیروی انتظامی، قوانین) توانسته‌اند تغییرات متغیر وابسته (پایبندی به ارزش‌های دینی) را به‌طور معناداری پیش‌بینی کنند.

اهمیت نسبی متغیرها:

بر اساس ضرایب استاندارد (بتا)، امنیت اجتماعی (۰.۳۶۰) بیشترین تأثیر را بر پایبندی به ارزش‌های دینی دارد. پس از آن، عملکرد نیروی انتظامی (۰.۳۱۳) و قوانین (۰.۱۸۶) به ترتیب در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند.

تبیین واریانس:

مدل رگرسیونی حدود ۲۴.۳ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌کند. این مقدار نشان می‌دهد که اگرچه متغیرهای مستقل تأثیر معناداری دارند، اما عوامل دیگری نیز ممکن است در پایبندی به ارزش‌های دینی نقش داشته باشند که در این مدل لحاظ نشده‌اند.

۷. بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین امنیت اجتماعی و متغیرهای زمینه‌ای با پایبندی به ارزش‌های دینی انجام شد. پس از مرور پژوهش‌های پیشین و نظریه‌های مرتبط، چارچوب نظری پژوهش بر اساس بخشی از دیدگاه گلاک و استارک در زمینه دینداری (با ابعاد دانشی، تجربی، پیامدی و مناسکی) و همچنین نظریه‌های بران، آرگیو و زتومپکا شکل گرفت. نظریه بران بر نقش جنسیت در پایبندی به ارزش‌های دینی تأکید دارد و بیان می‌کند که زنان بیشتر از مردان به فرائض دینی عمل می‌کنند. آرگیو نیز سن را به عنوان یکی از عوامل مؤثر بر دینداری مطرح می‌کند و معتقد است با افزایش سن، پایبندی به ارزش‌های دینی افزایش می‌یابد. در مورد امنیت اجتماعی، نظریه زتومپکا مبنا قرار گرفت که بیانگر تأثیر امنیت اجتماعی بر پایبندی به ارزش‌های دینی است.

داده‌های این پژوهش از طریق پرسشنامه و با نمونه‌ای شامل ۴۰۰ نفر در گروه سنی ۱۸ تا ۶۰ سال جمع‌آوری شد. برای تحلیل داده‌ها از تکنیک‌های آماری همچون آزمون همبستگی پیرسون، تفاوت میانگین رگرسیون استفاده شد. نتایج به‌دست‌آمده به شرح زیر است:

۱. سن و پایبندی به ارزش‌های دینی:

ضریب همبستگی بین سن و پایبندی به ارزش‌های دینی مثبت و معنادار بود (ضریب همبستگی: ۰.۲۱، سطح معناداری: ۰.۰۱۹). این یافته نشان می‌دهد که با افزایش سن، پایبندی به ارزش‌های دینی افزایش می‌یابد. این نتیجه با پژوهش‌های جهانگیری (۱۳۸۱) و نظریه آرگیو همسو است که سن را به عنوان یکی از عوامل مؤثر بر دینداری معرفی می‌کند.

۲. پایگاه اقتصادی و پایبندی به ارزش‌های دینی:

تفاوت میانگین بین پایگاه اقتصادی و پایبندی به ارزش‌های دینی معنادار نبود (سطح معناداری: ۰.۰۶۷). این یافته با پژوهش‌های اردوان (۱۳۹۳) و نیک‌خواه (۱۳۹۲) ناهمسو است، چرا که در آن‌ها تفاوت معناداری بین پایگاه اقتصادی و پایبندی به ارزش‌های دینی گزارش شده بود.

۳. جنسیت و پایبندی به ارزش‌های دینی:

تفاوت معناداری بین جنسیت و پایبندی به ارزش‌های دینی مشاهده شد. میانگین پایبندی به ارزش‌های دینی در مردان بیشتر از زنان بود. این نتیجه با یافته‌های اردوان (۱۳۹۳) و جهانگیری (۱۳۸۱) و همچنین نظریه بران همسو است که جنسیت را به عنوان یکی از عوامل مؤثر بر دینداری معرفی می‌کند.

۴. امنیت اجتماعی و پایبندی به ارزش‌های دینی:

ضریب همبستگی بین امنیت اجتماعی و پایبندی به ارزش‌های دینی مثبت و معنادار بود (ضریب همبستگی: ۰.۲۱، سطح معناداری: ۰.۰۳). این یافته نشان می‌دهد که بین امنیت اجتماعی و پایبندی به ارزش‌های دینی رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد، هرچند شدت این رابطه ضعیف بود. این نتیجه با نظریه زتومپکا همسو است که امنیت اجتماعی را به عنوان عاملی مؤثر بر پایبندی به ارزش‌های دینی مطرح می‌کند.

۵. تحصیلات و پایبندی به ارزش‌های دینی:

تفاوت معناداری بین تحصیلات و پایبندی به ارزش‌های دینی مشاهده نشد (سطح معناداری: ۰.۰۰۷). این یافته با پژوهش‌های نیک‌خواه (۱۳۹۲) و مولر و جانستون (۱۹۸۵) ناهمسو است، چرا که در آن‌ها تفاوت معناداری بین تحصیلات و پایبندی به ارزش‌های دینی گزارش شده بود.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که سن و امنیت اجتماعی به عنوان عوامل مؤثر بر پابندی به ارزش‌های دینی شناخته می‌شوند، در حالی که پایگاه اقتصادی و تحصیلات تأثیر معناداری بر پابندی به ارزش‌های دینی ندارند. همچنین، جنسیت به عنوان یک متغیر مؤثر در پابندی به ارزش‌های دینی شناسایی شد، به طوری که مردان در مقایسه با زنان پابندی بیشتری به ارزش‌های دینی نشان دادند. با توجه به یافته‌ها که نشان می‌دهد زنان در مقایسه با مردان پابندی کم‌تری به ارزش‌های دینی دارند، می‌توان با طراحی برنامه‌های ویژه برای زنان، آن‌ها را به مشارکت بیشتر در فعالیت‌های مذهبی تشویق کرد. این برنامه‌ها می‌توانند شامل کارگاه‌های آموزشی، مشاوره‌های دینی و فعالیت‌های گروهی باشد. از آن‌جا که مردان در این پژوهش پابندی بیشتری به ارزش‌های دینی نشان دادند، می‌توان با تقویت برنامه‌های موجود، این پابندی را حفظ و تقویت کرد. این برنامه‌ها می‌توانند شامل فعالیت‌های اجتماعی و مذهبی متناسب با نیازهای مردان باشد.

با توجه به یافته‌ها که نشان می‌دهد با افزایش سن، پابندی به ارزش‌های دینی بیشتر می‌شود، می‌توان با طراحی برنامه‌های آموزشی و فرهنگی متناسب با نیازهای نسل جوان، آن‌ها را به سمت ارزش‌های دینی سوق داد. این برنامه‌ها می‌توانند شامل کارگاه‌های آموزشی، دوره‌های تربیتی و فعالیت‌های گروهی باشد. جذب جوانان به فعالیت‌های مذهبی: ایجاد فضای مناسب برای مشارکت جوانان در مراسم مذهبی و مناسک دینی می‌تواند به تقویت پابندی آن‌ها به ارزش‌های دینی کمک کند. این امر می‌تواند از طریق برگزاری مراسم مذهبی جذاب و متناسب با سلیقه جوانان محقق شود.

این یافته‌ها می‌تواند به سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان فرهنگی کمک کند تا با در نظر گرفتن عوامل مؤثر بر پابندی به ارزش‌های دینی، برنامه‌های مناسبی برای تقویت این ارزش‌ها در جامعه طراحی کنند. با توجه به اینکه مدل رگرسیونی تنها ۲۴ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین کرد، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده، عوامل دیگری که ممکن است بر پابندی به ارزش‌های دینی تأثیر داشته باشند نیز بررسی شوند. این عوامل می‌توانند شامل عوامل فرهنگی، روان‌شناختی و سیاسی باشد.

منابع

الف) منابع فارسی

- ۱- آذرشب، م.ت.، نجم آبادی، م. و بخشی، ت. (۱۳۹۶)، جایگاه امنیت در مکتب کپنهاگ: چارچوبی برای تحلیل، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، ۱۳(۴): ۱۱۹-۱۴۶.
- ۲- ارژنگ، ا. و میرفردی، ا. (۱۳۹۳). هویت دینی و عوامل اجتماعی تاثیرگذار بر آن (مورد مطالعه دانشجویان دانشگاه یاسوج). فرهنگ در دانشگاه اسلامی، ۴(۱۰ (پیاپی ۱۰))، ۱۴۷-۱۶۵.
- ۳- باقری خلیلی، علی اکبر (۱۳۸۸)، بررسی ابعاد دینداری حافظ شیرازی براساس الگوی گلاک و استارک مبنی بر دین، پدیده‌های چندبعدی، جستارهای ادبی (ادبیات و علوم انسانی سابق)، شماره چهارم.
- ۴- بلیکی، نورمن (۱۳۸۹) طراحی پژوهش های اجتماعی، ترجمه حسن چاوشیان چاپ سوم -تهران: نشر نی.
- ۵- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۶). توسعه و تضاد. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ۶- ریتزر، جرج، (۱۳۹۳)، نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی.
- ۷- ساروخانی، باقر (۱۳۹۵)، جامعه شناسی ارتباطات، تهران، انتشارات اطلاعات.
- ۸- سراجزاده، حسین (۱۳۸۳). چالشهای دین و مدرنیته: مباحثی جامعه شناسی در دینداری و سکولار شدن. تهران: طرح نو
- ۹- سراجزاده، سید حسین و محمدرضا پویافر (۱۳۸۷)، «مقایسه تجربی سنجه‌های دین‌داری: دلالت روش شناسانه کاربرد سه سنجه در یک جمعیت»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره هشتم، شماره ۴: ۷۰-۳۷.
- ۱۰- سرمد، زهره و عباس بازرگان (۱۳۸۶)، روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، تهران: نشر آگه.
- ۱۱- سفیری، خدیجه، کمالی، افسانه & مصلح، نرجس خاتون. (۱۳۹۲). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی خانواده و مشارکت دینی با هویت دینی نوجوانان. مجله جامعه شناسی ایران. 198-162, (3), 15.
- ۱۲- شجاعی زند، علیرضا (۱۳۸۴)، «مدلی برای سنجش دین‌داری در ایران»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره یک: ۶۶-۳۴.
- ۱۳- صادقی، رضا و باتمانی، فردین، ۱۳۹۶، بررسی عوامل موثر بر پایبندی ارزش های دینی و اخلاقی دانشجویان دانشگاه فنی و حرفه ای کرمانشاه، پنجمین کنگره علمی پژوهشی سراسری توسعه و ترویج علوم تربیتی و روانشناسی، جامعه شناسی و علوم فرهنگی اجتماعی ایران، تهران، <https://civilica.com/doc/733353>
- ۱۴- صادقی، رضا و باتمانی، فردین، ۱۳۹۶، بررسی عوامل موثر بر پایبندی ارزش های دینی و اخلاقی دانشجویان دانشگاه فنی و حرفه ای کرمانشاه، پنجمین کنگره علمی پژوهشی سراسری توسعه و ترویج علوم تربیتی و روانشناسی، جامعه شناسی و علوم فرهنگی اجتماعی ایران، تهران،

- ۱۵- صحابی، ج. (۱۳۸۹)، شناسایی عوامل موثر بر امنیت اجتماعی در شهر سنندج، طرح پژوهشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج.
- ۱۶- فولادی، اصغر. شاه نعمتی، نوید (۱۳۹۴) بررسی علل طلاق در استان آذربایجان شرقی - تبریز (جامعه پژوهشی فرهنگی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی سال ششم).
- ۱۷- قاسمی پور، س. (۱۴۰۰). بررسی رابطه بین گرایش به مصرف مواد مخدر و امنیت اجتماعی، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان.
- ۱۸- کلانتری، عبدالحسین، جلیل عزیزی و سعید زاهد زاهدانی (۱۳۸۸)، «هویت دینی و جوانان» (نمونه آماری جوانان شهر شیراز)، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره دوم، شماره ۶.
- ۱۹- کوئن، بروس (۱۳۹۶)، مبانی جامعه شناسی، تهران، نشر سمت، ترجمه غلامعباس توسلی و رضا فاضل.
- ۲۰- موسوی، سیده صفا، کاشانیها، زهرا، و عزیزآبادی فراهانی، فاطمه. (۱۳۹۸). تبیین فرهنگی - اجتماعی پابندی جوانان تهرانی به ارزش های دینی (از دو بُعد مناسکی (اعمال دینی) و پیامدی (آثار دینی)). مدیریت فرهنگی، ۱۲(۴۶)، ۵۹-۷۵. <https://sid.ir/paper/fa515570SID>
- ۲۱- نویدنیا، م. (۱۳۸۲). «درآمدی بر امنیت اجتماعی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ششم، ش ۱۹، ص ۵۵-۷۶.
- ۲۲- نیکخواه، ه. و ظهیری نیا، م. (۱۳۹۲). بررسی میزان پابندی دینی دانشجویان دانشگاه هرمزگان و عوامل موثر بر آن. فرهنگ در دانشگاه اسلامی، ۳(۴) (پیاپی ۹)، ۶۸۵-۷۰۴. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=236558>
- ۲۳- همیلتون، ملکم (۱۳۷۷). جامعه شناسی دین. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان
- ۲۴- واخ، یواخیم (۱۳۸۰). جامعه شناسی دین. ترجمه جمشید آزادگان. تهران: سمت.
- ۲۵- وبر، م. (۱۳۷۳). اخلاق پروتستانی و روحیه سرمایه داری. ترجمه عبدالکریم رشیدیان و پریسا منوچهری کاشانی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی

ب) منابع انگلیسی

- 26 - Han, E., Oishi, S., & Lucas, R. E. (2010). Personality, culture and Subjective well-being: Emotional and cognitive evaluation of life. *Annu Rev Psychol*, 54, Pp: 403-25.
- 27 - Jackson, Jonathan (2006), "Introducing Fear of Crime to Risk Research." *Risk Analysis*. Vol. 26, No.1, Pp.253- 64.